

# سوره طه

شماره: ۲۰  
محل نزول: مکه

جزء: ۱۶  
ترتیب نزول: ۴۵

تعداد آیه: ۱۳۵

[ahlolbait.com](http://ahlolbait.com)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش  
همیشگی.



سوره طه (٢٠)

جزء ١٦

طه

طه (١)

مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَىٰ

ما قرآن را بر تو نازل نکردیم تا به مشقت و زحمت افتی؛

(۲)

إِلَّا تَذِكْرَةٌ لِمَنْ يَخْشَىٰ

[بلکه آن را نازل کردیم] تا برای کسی که [از خدا] می ترسد،

زمینه توجه و یادآوری باشد. (۳)

تَنْزِيلًا مِمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَاوَاتِ الْعُلَى

در حالی که به تدریج از سوی کسی نازل شده که زمین و

آسمان های بلند را آفریده است. (۴)



الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَىٰ

[خدای] رحمان بر تخت فرمانروایی و تدبیر امور آفرینش

چیره و مسلط است. (۵)

لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا  
تَحْتَ الثَّرَىٰ

آنچه در آسمان ها و زمین و آنچه میان آن دو و آنچه زیر زمین  
است، فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی اوست. (۶)



وَإِنْ تَجَهَّرَ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى

و اگر سخن خود را با صدای بلند آشکار کنی [یا پنهان بداری،  
برای خدا یکسان است]؛ زیرا او پنهان و پنهان تر را می داند. (۷)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۖ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ

خدای یکتاست که جز او هیچ معبودی نیست، نیکوترین نام

ها فقط ویژه اوست. (۸)

وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَىٰ

و آیا سرگذشت موسی به تو رسیده است؟ (۹)



إِذْ رَأَىٰ نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي  
 آتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدٍ عَلَىٰ النَّارِ هُدًى

هنگامی که آتشی دید، پس به خانواده اش گفت: درنگ کنید؛  
 بی تردید من آتشی دیدم [می روم] شاید شعله ای از آن را برایتان  
 بیاورم یا نزد آتش [برای پیدا کردن راه] راهنمایی بیابم. (۱۰)

فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَا مُوسَىٰ

پس چون به آن آتش رسید، ندا داده شد: ای موسی! (۱۱)

إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ ۖ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى

به یقین این منم پروردگار تو، پس کفش خود را از پایت

ببند؛ زیرا تو در وادی مقدس طوی هستی. (۱۲)



وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ

و من تورا [به پیامبری] برگزیدم، پس به آنچه وحی می شود،

گوش فرا دار. (۱۳)

إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي

همانا! من خدایم که جز من معبودی نیست، پس مرا پرست  
و نماز را برای یاد من برپا دار. (۱۴)

إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ

بی تردید قیامت که می خواهیم زمان وقوعش را پنهان بدارم،  
آمدنی است، تا هر کس را برابر تلاش و کوششی که می کند،  
پاداش دهند. (۱۵)



فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَىٰ

پس مبادا آنکه از هوای نفسش پیروی کرده و [به این سبب] به  
قیامت ایمان ندارد، تو را [از توجه به آن] باز دارد که هلاک  
می شوی. (۱۶)

وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَىٰ

و ای موسی! این [قطعه چوب] در دست راست چیست؟

(۱۷)

قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَى غَنَمِي  
وَلِي فِيهَا مَأْرَبٌ أُخْرَىٰ

گفت: این عصای من است، بر آن تکیه می‌زنم، و با آن برگ  
درختان را برای گوسفندانم فرو می‌ریزم و مرا در آن نیازهای  
دیگری هم هست. (۱۸)

قَالَ أَلْقِهَا يَا مُوسَىٰ

خدا فرمود: ای موسی! آن را بیفکن. (۱۹)



فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَىٰ

پس آن را افکند، ناگهان ماری عظیم شد که به سرعت

می‌شتافت. (۲۰)

قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ ۗ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَىٰ

خدا فرمود: آن را بگیر و مترس که بی درنگ آن را به کیفیت

اولش باز می گردانیم. (۲۱)

وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِن غَيْرِ سُوءٍ  
آيَةٌ أُخْرَىٰ

و دستت را در گریبان کن تا بدون هیچ عیبی [چون برص و  
پسی] سفید و درخشان بیرون آید، [آن] معجزه ای دیگر است.

(۲۲)

لِنُرِيكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَى

تا برخی از بزرگ ترین معجزات خود را به تو نشان دهیم.

(۲۳)



اَذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ

به سوی فرعون برو؛ زیرا او [در برابر خدا] سرکشی کرده

است. (۲۴)

قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي

گفت: پروردگارا! سینه ام را [برای تحمل این وظیفه سنگین]

گشاده گردان، (۲۵)

وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي

و کارم را برایم آسان ساز، (۲۶)

وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي

و گِرهی را [که مانع روان سخن گفتن من است] از زبانم

بگشای، (۲۷)



يَفْقَهُوا قَوْلِي

[تا] سختم را بفهمند، (۲۸)

وَاجْعَلْ لِي وَّزِيرًا مِّنْ أَهْلِي

و از خانواده ام دستیاری برایم قرار ده، (۲۹)

# هَارُونَ أَخِي

هارون، برادرم را (٣٠)

اشدُّ بِهِ أَزْرِي

پشتم را به او محکم کن، (۳۱)



وَأَشْرِكُهُ فِي أَمْرِي

واورا در کارم شریک گردان، (۳۲)

كِي نُسَبِّحَكَ كَثِيْرًا

تا تو را [در میان مشرکان از داشتن شریک] بسیار و فراوان

تنزیه کنیم، (۳۳)

وَنَذُكْرَكَ كَثِيرًا

وبسیار به یادت باشیم، (۳۴)

إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا

بی تردید تو به ما بینایی. (۳۵)



قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَىٰ

خدا فرمود: ای موسی! به یقین خواسته ات به تو عطا شد.

(۳۶)

وَلَقَدْ مَنَّا عَلَىٰكَ مَرَّةً أُخْرَىٰ

و بی تردید یک بار دیگر هم به تو احسان کردیم. (۳۷)

إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ

آن زمان که به مادرت آنچه را که باید الهام می شد، الهام

کردیم؛ (۳۸)

أَنْ أَقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَاقْذِفِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ  
 بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِي وَعَدُوٌّ لَهُ ۚ وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً  
 مِّنِّي وَلِتُصْنَعَ عَلَىٰ عَيْنِي

که او را در صندوق بگذار، پس او را به دریا بینداز تا دریا او را به ساحل اندازد، تا  
 دشمن من و دشمن او، وی را بگیرد. و محبوبیتی از سوی خود بر تو انداختیم تا  
 [همگان به تو علاقه و محبت ورزند و آنچه را انجام دادم برای این بود که] با مراقبت  
 کامل من پرورش یابی [و ساخته شوی.] (۳۹)



إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُ ۗ فَرَجَعْنَاكَ  
 إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ ۗ وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِن  
 الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا ۗ فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَىٰ  
 قَدَرٍ يَا مُوسَىٰ

آن گاه که خواهرت به سوی کاخ فرعون رفت، و گفت: آیا شما را به کسی که از این نوزاد سرپرستی کند، راهنمایی کنم؟ پس تو را به مادرت برگردانیم تا خوشحال و شاد شود و غم و غصه نخورد، و کسی [از فرعونیان] را کشتی و ما تو را از اندوه [و نگرانی بر ارتکاب قتل آن مشرک] نجات دادیم، و چنان که باید امتحانت نمودیم، پس سالیانی در میان اهل مدین ماندی، سپس ای موسی! بر اساس تقدیر الهی [برای انتخاب شدن به مقام پیامبری اینجا] آمدی، (۴۰)

وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي

و تو را برای [اجرای اهداف] خود ساختم [و انتخاب کردم].

(۴۱)

اَذْهَبْ أَنْتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي

تو و برادرت با معجزات من [برای هدایت گمراهان] بروید، و  
درباره ذکر من [که ابلاغ وحی است] سستی نورزید. (۴۲)

اَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ

هر دو به سوی فرعون بروید؛ زیرا او [در برابر خدا] سرکشی

کرده است. (۴۳)



فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ

پس با گفتاری نرم به او بگویید، امید است که هوشیار شود و  
[آیین حق را بپذیرد] یا بترسد [و از سرکشی باز ایستد]. [۴۴]

قَالَا رَبَّنَا إِنَّنَا نَخَافُ أَنْ يَفْرُطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَىٰ

گفتند: پروردگارا! ما می ترسیم که [پیش از دعوت کردنش به  
حق] با سخت گیری و شکنجه بر [ضد] ما پیشی گیرد یا بر  
سرکشی خود بیفزاید. (۴۵)

قَالَ لَا تَخَافُ أَيُّهَا النَّبِيُّ مَعَكُمْ أَتَسْمَعُ وَأَرَىٰ

خدا فرمود: نترسید که من بی تردید با شما هستم [سخن او

و شما را] می شنوم و [اعمالتان را] می بینم. (۴۶)

فَأْتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ  
 وَلَا تَعْذِْبُهُمْ ۗ قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكَ ۗ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ  
 اتَّبَعَ الْهُدَىٰ

بنابراین [بدون بیم و هراس] به سوی او بروید و بگویید: ما دو نفر فرستاده پروردگار تو هستیم، پس بنی اسرائیل را [از قید بندگی و بردگی خود آزاد کرده] با ما روانه کن و آنان را شکنجه مکن، به راستی ما از سوی پروردگارت معجزه ای آورده ایم؛ و درود بر کسی باد که از هدایت [حق] پیروی کند. (۴۷)



إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ

مسلماناً و یقیناً به ما وحی شده است که عذاب بر کسی است که  
[آیات حق و پیامبران را] تکذیب کند و از آن رو برگرداند. (۴۸)

قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يَا مُوسَىٰ

فرعون گفت: ای موسی! پروردگار شما دو نفر کیست؟

(۴۹)

قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ

گفت: پروردگار ما کسی است که به هر موجودی، آفرینش [ویژه]  
او را [آن گونه که سزاوارش بود] به وی عطا کرده، سپس هدایت  
نمود. (۵۰)

قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَىٰ

فرعون [به جای دنبال کردن بحث خداشناسی، مطلب را منحرف کرد و] گفت: پس حال امت های پیشین چگونه است؟ (۵۱)



قَالَ عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ ۖ لَا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنْسَى

موسی گفت: علم و دانش به [حال] آنان در کتابی [مانند لوح محفوظ] نزد پروردگار من است، که پروردگارم [بر پایه آن در پاداش دادن و کیفر نمودن] نه اشتباه می کند و نه از یاد می برد. (۵۲)

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَوَسَّلَكَ لَكُمُ فِيهَا سُبُلًا  
وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْ نَبَاتٍ  
شَتَّىٰ

همان کسی که زمین را برای شما بستری گسترده قرار داد، و برای شما در آن  
[به خاطر آسان شدن رفت و آمدتان] راه‌هایی پدید آورد، و از آسمان آبی نازل  
کرد، پس به وسیله آن انواعی از رویدنی‌های گوناگون بیرون آوردیم. (۵۳)

كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِأُولِي النُّهَىٰ

[خود از این نعمت های فراوان] بخورید و دام هایتان را بچرانید،  
یقیناً در این امور نشانه هایی [بر توحید، ربوبیت و قدرت خدا]  
برای صاحبان خرد است. (۵۴)

مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَىٰ

شما را از زمین آفریدیم، و به آن باز می گردانیم، و بار دیگر

از آن بیرونتان می آوریم. (۵۵)



وَلَقَدْ أَرَيْنَاهُ آيَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَىٰ

و بی تردید ما همه معجزات خود را [که در ارتباط با نبوت موسی و هدایت مردم بود] به فرعون نشان دادیم، ولی آنها را تکذیب کرد و به پذیرفتنش رضایت نداد. (۵۶)

قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَا مُوسَىٰ

گفت: ای موسی! آیا به سوی ما آمده ای تا ما را به وسیله

جادویت از سرزمینمان بیرون کنی؟ (۵۷)

فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرِ مِثْلِهِ فَأَجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَا نُخْلِفُهُ  
نَحْنُ وَلَا أَنْتَ مَكَانًا سُوًى

قطعاً ما جادویی مانند آن برایت می آوریم، پس میان ما و خودت  
در جایی هموار و صاف که نه ما از آن تخلف کنیم و نه تو، وعده  
گاهی قرار ده. (۵۸)

قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَأَنْ يُحْشَرَ النَّاسُ ضُحًى

موسی گفت: وعده گاه شما روز جشن است [روزی که]

همه مردم را پیش از ظهر گرد هم می آورند. (۵۹)



فَتَوَلَّىٰ فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَىٰ

پس فرعون [از مجلس مناظره با موسی] برگشت، پس نیرنگش را  
[که جادوگران و ابزار جادویشان بود] گرد آورد، سپس به وعده گاه  
باز آمد. (۶۰)

قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُمْ  
بِعَذَابٍ ۖ وَقَدْ خَابَ مَن افْتَرَىٰ

موسی به فرعون و فرعونیان گفت: وای بر شما، بر خدا دروغ نبندید [که بت  
ها شریک اویند و این معجزات افسون و جادو است] که با عذابی شدید ریشه  
کن و نابودتان می کند، و یقیناً کسی که دروغ بست، محروم و نومید شد. (۶۱)

فَتَنَّاكَ عُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ وَأَسْرُوا النَّجْوَىٰ

پس فرعونیان میان خود در کارشان [نسبت به موسی] نزاع و ستیز کردند و این رازگویی را از دیگران پنهان داشتند. (۶۲)

قَالُوا إِنَّ هَٰذَانِ لَسَاحِرَانِ يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُم مِّنْ  
أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثَلَىٰ

گفتند: مسلماً این دو نفر جادوگرند، می خواهند شما را با  
جادویشان از سرزمینتان بیرون کنند و آیین برتر شما را از بین  
ببرند. (۶۳)



فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ اتُّوَا صَفًّا ۚ وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنْ  
اسْتَعْلَىٰ

پس حيله و نيرنگتان را گرد آوريد، آن گاه صف كشيده بيايد  
كه قطعاً امروز كسي كامياب است كه برتري يابد. (۶۴)

قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَىٰ

[ساحران] گفتند: ای موسی! یا تو [عصایت را] می افکنی یا ما  
نخستین کسی باشیم که [ابزار و وسایل جادویش را] می افکند؟

(۶۵)

قَالَ بَلْ أَلْقُوا<sup>ط</sup> فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيَّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ  
سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى

گفت: بلکه شما بیفکنید. پس [چون افکندند] ناگهان ریسمان ها  
و چوب دستی هایشان بر اثر جادویشان در خیال، چنان وانمود  
شد که با سرعت به راه افتادند. (۶۶)

فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَىٰ

پس موسی در دلش ترسی احساس کرد. (۶۷)



قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَىٰ

گفتیم: مترس که بی تردید تو برتری. (۶۸)

وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا <sup>ط</sup> إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ  
سَاحِرٍ <sup>ط</sup> وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى

آنچه را در دست راست داری بیفکن تا همه ساخته هایشان را  
بیلعد؛ یقیناً آنچه را ساخته اند [واقعیت ندارد] فقط نیرنگ  
جادوگر است، و جادوگر هر جا درآید، پیروز نمی شود. (۶۹)

فَأَلْقِيَ السَّحَرَةَ سُجَّدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَىٰ

[چون عصایش را انداخت و ساخته های جادوگران را بلعید، جادوگران از عظمت کار دریافتند که امری است خدایی نه جادویی] پس سجده کنان به رو درافتادند و گفتند: ما به پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم. (۷۰)

قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ ۗ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ ۗ  
 فَلَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ ۖ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ فِي جُذُوعِ  
 النَّخْلِ ۖ وَلَتَعْلَمُنَّ أَيُّنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَىٰ

[فرعون] گفت: آیا پیش از آنکه به شما اذن دهم، به او ایمان آوردید؟ یقیناً او بزرگ شماست که به شما جادو آموخته است، پس بی تردید دست ها و پاهایتان را یکی از راست و یکی از چپ قطع خواهم کرد، و شما را بر تنه های درخت خرما خواهم آویخت تا کاملاً بدانید که کدام یک از ما [من یا خدای موسی] عذابش سخت تر و پایدارتر است؟! (۷۱)



قَالُوا لَنْ نُؤْتِرَكَ عَلَىٰ مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي  
 فَطَرَنَا ۗ فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ ۗ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ  
 الدُّنْيَا

گفتند: ما هرگز تو را بر دلایل روشنی که به سوی ما آمده و بر آنکه  
 ما را آفرید، ترجیح نمی دهیم؛ پس هر حکمی را که می توانی  
 صادر کن، تو فقط در این زندگی دنیا می توانی حکم کنی. (۷۲)

إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ  
السَّحْرِ ۖ وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ

بی تردید ما به پروردگارمان ایمان آوردیم تا خطاهایمان و آن  
جادویی که ما را به آن واداشتی بر ما بیامرزد؛ و خدا بهتر و پایدارتر  
است. (۷۳)

إِنَّهُ مَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ

مسلماناً کسی که گنهگار به پیشگاه پروردگارش بیاید، دوزخ  
برای اوست که در آن نه می میرد و نه زندگی می کند. (۷۴)

وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَٰئِكَ لَهُمُ  
الدَّرَجَاتُ الْعُلَىٰ

و کسانی که مؤمن بیایند در حالی که کارهای شایسته انجام  
داده اند، برای آنان برترین درجات است. (۷۵)



جَنَاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا  
وَذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى

[و آن] بهشت های پایداری است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است که در آن جاودانه اند؛ و این است پاداش کسانی که خود را [با ایمان و عمل صالح از آلودگی ها] پاک کرده اند. (۷۶)

وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرِبْ لَهُمْ  
طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَافُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَىٰ

و همانا به موسی وحی کردیم که بندگانم را شبانه [از مصر] حرکت  
بده، و برای آنان راهی خشک در دریا قرار ده که [در آن موقعیت] نه از  
رسیدن فرعونیان بترسی و نه از غرق شدن بهراسی. (۷۷)

فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُمْ مِنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ

پس فرعون با لشکریانش آنان را دنبال کرد، و [بخشی] از

دریا آنان را فروگرفت، چه فروگرفتنی! (۷۸)

وَأَضَلَّ فِرْعَوْنَ قَوْمَهُ وَمَا هَدَىٰ

و فرعون، قومش را گمراه کرد و راهنمایی ننمود. (۷۹)



يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ وَوَعَدْنَاكُمْ  
جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَىٰ

ای بنی اسرائیل! به راستی شما را از دشمنتان نجات دادیم، و با  
شما در جانب راست طور وعده گذاشتیم و ترنجبین و مرغ بریان  
را بر شما نازل کردیم، (۸۰)

كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ  
غَضَبِي ۗ وَمَنْ يَحِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ

[و گفتیم:] از خوردنی های پاکیزه [و مطبوع] که روزی شما نمودیم، بخورید  
و در [مورد] آن از حدود الهی تجاوز نکنید که خشم من بر شما فرود آید، و  
کسی که خشم من بر او فرود آید، یقیناً هلاک شده است. (۸۱)

وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ

و مسلماً من آمرزنده کسی هستم که توبه کرد و ایمان آورد و کار  
شایسته انجام داد، سپس در راه مستقیم پایداری و استقامت

ورزید. (۸۲)

وَمَا أَغْجَبَكَ عَنْ قَوْمِكَ يَا مُوسَىٰ

ای موسی! چه چیز تو را شتابان کرد که قبل از قوم خود [در

آمدن به کوه طور] پیشی گرفتی؟ (۸۳)



قَالَ هُمْ أَوْلَاءِ عَلَىٰ أَثْرِي وَعَجِبْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَىٰ

گفت: پروردگارا! من به سوی تو شتافتم تا خشنود شوی. آنان

گروهی هستند که اینک به دنبال من می آیند. (۸۴)

قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ

[خدا] گفت: ای موسی! ما به راستی قوم تو را پس از آمدن

تو امتحان کردیم و سامری آنان را گمراه کرد. (۸۵)

فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ  
يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدًّا حَسَنًا أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ  
أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّنْ رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ مَوْعِدِي

پس موسیٰ خشمگین و اندوهناک به سوی قومش بازگشت، گفت: ای قوم من! آیا  
پروردگارتان به شما [درباره نزول تورات] وعده ای نیکو نداد؟ آیا زمان آن وعده بر شما  
طولانی آمد یا خواستید که خشمی از پروردگارتان بر شما فرود آید که با وعده من  
مخالفت کردید؟! (۸۶)

قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلِكِنَا وَلَكِنَّا حُمُلْنَا أَوْزَارًا مِنْ  
 زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ

گفتند: ما با اراده خود با وعده تو مخالفت نکردیم، بلکه ما را وادار کردند که بارهایی سنگین از زیور و زینت این قوم را حمل کنیم، پس آنان را [در آتش] انداختیم و به همین صورت سامری هم [آنچه از زیور و زینت داشت] در آتش انداخت. (۸۷)



فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ  
 مُوسَىٰ فَنَسِيَ

پس برای آنان مجسمه گوساله ای که صدای گاو داشت بیرون آورد، آن گاه [او  
 و پیروانش] گفتند: این معبود شما و معبود موسی است که [موسی آن را]  
 فراموش کرد [به این خاطر برای طلب معبود به طور رفت.] (۸۸)

أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا  
نَفْعًا

پس آیا درک نمی کنند [و نمی فهمند] که [گوساله، هنگامی که آن  
را می خوانند] پاسخی به آنان نمی دهد و مالک و صاحب اختیار  
هیچ سود و زیانی برای آنان نیست؟! (۸۹)

وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ طَغَىٰ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي

و به راستی هارون پیش از این به آنان گفته بود: ای قوم من! شما به وسیله این گوساله مورد امتحان قرار گرفته اید، و بی تردید پروردگارتان [خدای] رحمان است، بنابراین از من [که پیامبر او هستم] پیروی کنید و فرمانم را اطاعت نمایید. (۹۰)

قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ

گفتند: ما همواره بر پرستیدن گوساله باقی می مانیم تا موسی

به سوی ما باز گردد. (۹۱)



قَالَ يَا هَارُونُ مَا مَنَعَكَ إِذِ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا

[هنگامی که موسی بازگشت، به هارون] گفت: ای هارون!

وقتی دیدی آنان گمراه شدند چه چیز تو را مانع شد، (۹۲)

أَلَا تَتَّبِعَنِ ۖ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي

از اینکه مرا [در برخورد شدید با گمراهان] پیروی کنی؟ آیا

از فرمان من سرپیچی کردی؟ (۹۳)

قَالَ يَا ابْنَ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي ط٤ إِنِّي خَشِيتُ  
 أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي

گفت: ای پسر مادرم! نه ریش مرا بگیر و نه سرم را، من ترسیدم که  
 بگویی: میان بنی اسرائیل تفرقه و جدایی انداختی و سفارش مرا  
 [در حفظ وحدت بنی اسرائیل] رعایت نکردی. (۹۴)

قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ

[موسی] گفت: ای سامری! سبب کار [بسیار خطرناک] تو

چه بود؟ (۹۵)



قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِنْ أَثَرِ  
الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي

گفت: من به حقایق و اسراری آگاه شدم که آنان آگاه نشدند، پس اندکی از دانش و اسرار رسول را گرفتم و [بر اثر هواپرستی] آن را دور انداختم [و به گوساله سازی پرداختم]؛ و این گونه نفس من [آن کار بسیار خطرناک را برای گمراه کردن بنی اسرائیل] در نظرم آراست. (۹۶)

قَالَ فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ <sup>ط</sup> وَإِنَّ  
لَكَ مَوْعِدًا لَنْ تُخْلَفَهُ <sup>ط</sup> وَانظُرْ إِلَى إِلْهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ  
عَاكِفًا <sup>ط</sup> لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا

[موسی] گفت: پس [از میان مردم] برو، یقیناً کیفر تو [به خاطر دور انداختن آثار رسالت و ساختن گوساله] در زندگی این است که [دچار بیماری مُسری ویژه ای شوی تا هر کس نزدیکت آید بگویی: ] به من دست نزنید؛ و تو را وعده گاهی [از عذاب بسیار سخت قیامت] است که هرگز نسبت به تو از آن تخلف نخواهد شد، و [اکنون] به معبودت که همواره ملازمش بودی نگاه کن که حتماً آن را در آتش بسوزانیم، سپس سوخته اش را در دریا می پاشیم. (۹۷)

إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۚ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا

معبود شما فقط خدای یکتاست که جز او معبودی نیست،

دانش او همه چیز را فرا گرفته است. (۹۸)

كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ ۚ وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ  
لَدُنَّا ذِكْرًا

این گونه بخشی از اخبار گذشته را برای تو بیان می کنیم و بی  
تردید ذکری [چون قرآن] از نزد خود به تو عطا کردیم. (۹۹)



مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِزْرًا

کسانی که از آن روی برگردانند، مسلماً روز قیامت وزر و

وبال سنگینی بر دوش خواهند کشید. (۱۰۰)

خَالِدِينَ فِيهِ <sup>ط</sup> وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِمْلًا

در آن [وزر و وبال،] جاودانه اند و چه بد باری روز قیامت

برای آنان خواهد بود. (۱۰۱)

يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ ۚ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا

[آن] روزی که در صور دمیده می شود و گنهکاران را در آن

روز، کبودچشم و نابینا محشور می کنیم. (۱۰۲)

يَتَخَفَتُونَ بَيْنَهُمْ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا

در میان خودشان پنهانی و بسیار آهسته می گویند: که [در

برزخ] جز ده روز درنگ نکرده اید. (۱۰۳)



نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِنِ لَبِئْتُمْ إِلَّا  
يَوْمًا

ما به آنچه می گویند داناتریم، آن گاه که مُنصف ترینشان

می گوید: جز یک روز درنگ نکرده اید، (۱۰۴)

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا

و از تو درباره کوه ها می پرسند، بگو: پروردگارم آنان را ریشه

کن می کند و از هم می پاشد. (۱۰۵)

فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا

پس آنها را به صورت دشتی هموار و صاف وامی گذارد،

(۱۰۶)

لَا تَرَىٰ فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا

که در آن هیچ کژی و پستی و بلندی نمی بینی. (۱۰۷)



يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ <sup>ط</sup> وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ  
 لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا

در آن روز همه انسان ها دعوت کننده را که هیچ انحرافی ندارد [برای  
 ورود به محشر] پیروی می کنند و صداها در برابر [خدای] رحمان فرو  
 می نشیند و جز صدایی آهسته [چیزی] نمی شنوی. (۱۰۸)

يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ  
لَهُ قَوْلًا

در آن روز شفاعت کسی سودی ندهد مگر آنکه [خدای] رحمان  
به او اذن دهد و گفتارش را [در مورد شفاعت از دیگران] بپسندد.

(۱۰۹)

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا

[خدا] آنچه را [از احوال و اعمال بندگان] پیش روی آنهاست و  
آنچه را [از ثواب و کیفر] در آینده دارند، می داند و آنان از جهت  
دانش به او احاطه ندارند، (۱۱۰)

وَعَنْتِ الْأُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ ۖ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا

و همه چهره ها در برابر [خدای] زنده قائم به ذات خاضع و فروتن  
می شوند، و کسی که بار ظلم و ستمی با خود برداشت، مسلماً  
محروم و ناامید شود، (۱۱۱)



وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا  
وَلَا هَضْمًا

و هر که کارهای شایسته انجام دهد، در حالی که مؤمن باشد، نه  
از ستمی [درباره حَقِّش] بیم و هراس خواهد داشت و نه از کاستی  
و نقصانی [در اجر و مزدش]. (۱۱۲)

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ  
لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحَدِّثُ لَهُمْ ذِكْرًا

و این گونه آن را قرآنی به زبان عربی [فصیح و گویا] نازل کردیم، و در آن  
هشدارها و تهدیدهای گوناگون آوردیم، امید است [از عقاید و آرای بی پایه و  
گناه و طغیان] بپرهیزند، یا برای آنان بیداری و هشیاری پدید آورد. (۱۱۳)

فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ ۖ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ  
 يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ ۖ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا

برتر و بلند مرتبه است خدا [ی یگانه] که فرمانروای هستی و حق  
 محض است؛ و پیش از آنکه وحی کردن قرآن بر تو پایان گیرد در  
 خواندنش شتاب مکن، و بگو: پروردگارا! دانش مرا بیفزای. (۱۱۴)

وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا

یقیناً پیش از این به آدم سفارش کردیم [که از میوه آن درخت  
نخورد] پس فراموش کرد و عزمی استوار برای او نیافتیم. (۱۱۵)



وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ

و [یاد کن] هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید. همه سجده کردند مگر ابلیس که روی برتافت. (۱۱۶)

فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَ مِنَ  
الْجَنَّةِ فَتَشْقَى

پس گفتیم: ای آدم! مسلماً این [ابلیس] دشمنی است برای تو و  
همسرت، پس شما را از بهشت بیرون نکند که در مشقت و رنج  
افتی. (۱۱۷)

إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَىٰ

قطعاً برای تو [در این مکان موقعیتی است که] است که نه

گرسنه شوی و نه برهنه گردی. (۱۱۸)

وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَصْحَىٰ

و نه در آن تشنه شوی و نه دچار آفتاب زدگی گردی. (۱۱۹)



فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةٍ  
الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَىٰ

پس شیطان او را وسوسه کرد، گفت: ای آدم! آیا تو را به درخت  
جاودان و سلطنتی که کهنه نمی شود، راهنمایی کنم؟ (۱۲۰)

فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتَ لَهُمَا سَوَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا  
مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَىٰ

پس هر دو [به سبب وسوسه شیطان] از میوه آن [درخت] خوردند، در نتیجه  
شرمگاهشان بر آنان پدیدار شد و شروع به چسباندن برگ های درختان  
بهشت بر [شرمگاه] خود کردند. و آدم پروردگارش را نافرمانی کرد و [از  
رسیدن به آنچه شیطان به او القا کرده بود] ناکام ماند. (۱۲۱)

ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَىٰ

آن گاه پروردگارش او را برگزید و توبه اش را پذیرفت و او را

راهنمایی کرد. (۱۲۲)

قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا ۖ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ ۖ فَأِمَّا  
يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَىٰ

[خدا] گفت: هر دو با هم از بهشت [به سوی زمین] فرود آید که برخی از شما دشمن  
برخی دیگرند، پس اگر از سوی من هدایتی به شما رسید، هر کس از هدایتم پیروی  
کند، نه گمراه می شود و نه به مشقت و رنج می افتد. (۱۲۳)



وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ  
يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى

و هر کس از هدایت من [که سبب یاد نمودن از من در همه امور  
است] روی بگرداند، برای او زندگی تنگ [و سختی] خواهد بود،  
و روز قیامت او را نابینا محسور می کنیم. (۱۲۴)

قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا

می گوید: پروردگارا! برای چه مرا نابینا محسور کردی، در

حالی که [در دنیا] بینا بودم؟ (۱۲۵)

قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيْتَهَا ۖ وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَىٰ

[خدا] می گوید: همین گونه که آیات ما برای تو آمد و آنها را

فراموش کردی این چنین امروز فراموش می شوی. (۱۲۶)

وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ  
وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَىٰ

و کسی را که [از هدایت حق] تجاوز کرده و به آیات پروردگارش  
ایمان نیاورده، این گونه کیفر می دهیم، و بی تردید عذاب آخرت  
سخت تر و پایدارتر است. (۱۲۷)



أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي  
 مَسَاكِينِهِمْ<sup>ق</sup> إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَىٰ

پس آیا [این حقیقت] سبب هدایتشان نشده است که چه بسیار امت ها را پیش  
 از آنان هلاک کردیم که [اینان] در مساکن آنان رفت و آمد می کنند؟ مسلماً در  
 این [امور] نشانه هایی [عبرت آموز] برای صاحبان خرد است. (۱۲۸)

وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى

و اگر سنت و روشی از پروردگارت [نسبت به تأخیر افتادن عذاب از آنان] نگذشته بود و نیز مدتی که [برای زندگی آنان] مشخص و معین شده است، قطعاً عذاب خدا بدون تأخیر بر آنان لازم و حتم می شد. (۱۲۹)

فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ  
 الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا ۖ وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ  
 النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ

پس در برابر آنچه [مشرکان] می گویند، شکبیا باش، و پیش از طلوع خورشید و پیش از  
 غروب آن پروردگارت را همراه با سپاس و ستایش تسبیح گوی، و [نیز] در بخشی از  
 ساعات شب و اطراف روز تسبیح گوی تا [به سنت ها و تدبیرهای او] خشنود شوی.

(۱۳۰)

وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ  
 الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ ۚ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ

دیدگانت را به آنچه برخی از اصناف آنان را بهره مند کردیم مدوز، [آنچه به  
 آنان داده ایم] شکوفه [بی میوه و زیور و زینت] دنیاست تا آنان را در آن  
 بیازماییم، و رزق پروردگارت بهتر و پایدارتر است. (۱۳۱)



وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا ۖ لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا ۗ  
 نَحْنُ نَرْزُقُكَ ۗ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ

و خانواده ات را به نماز فرمان بده و خود نیز بر آن شکیبایی ورز؛  
 از تو رزقی نمی طلبیم، ما به تو روزی می دهیم و عاقبت نیک  
 برای پرهیزکاری است. (۱۳۲)

وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا بِآيَةٍ مِنْ رَبِّهِ ۚ أَوَلَمْ تَأْتِهِمْ بَيِّنَةٌ مَا فِي  
الصُّحُفِ الْأُولَىٰ

و [مشرکان] گفتند: چرا [پیامبر] معجزه ای از سوی پروردگارش برای  
ما نمی آورد؟ آیا [این قرآن که] شاهد و دلیلی روشن بر [معارف]  
کتاب های پیشین [آسمانی است] برای آنان نیامده؟! (۱۳۳)

وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِنْ قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ  
إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَىٰ

و اگر آنان را پیش از نزول قرآن هلاک می کردیم، قطعاً می گفتند:  
پروردگارا! چرا رسولی به سوی ما نفرستادی تا پیش از آنکه خوار  
و رسوا شویم، آیات تو را پیروی کنیم. (۱۳۴)

قُلْ كُلٌّ مُتَرَبِّصٌ فَتَرَ بَصُوا ۖ فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ  
الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَىٰ

بگو: هر یک [از ما و شما] منتظریم، پس منتظر باشید که به  
زودی خواهید دانست که رهروان راه راست و ره یافتگان چه  
کسانی هستند؟ (۱۳۵)